

## تأملی در تناقضات حاصل از تحقق نامتناهی شیء بالفعل

محمدصادق کاویانی<sup>۱</sup>، علی عباسی<sup>۲</sup>، محمد رضاپور<sup>۳</sup>

### چکیده

از منظر بسیاری از اندیشمندان پدید آمدن نامتناهی شیء حاصل شده مستلزم تناقضات فراوان و تأثیرگذار بر سرنوشت چندین مسئله مهم فلسفی است. از این مسائل می‌توان به استحاله تسلسل، تناهی ابعاد و حتی وجود آغاز زمانی برای عالم اشاره نمود. با توجه به اهمیت چنین امری، این تناقضات همواره مورد توجه بسیاری از اندیشمندان غربی و مسلمان بوده است. برخی با صحیح دانستن ادله این تناقضات، منکر تحقق ذوات نامتناهی بالفعل در جهان خارج‌اند. در مقابل، برخی ریاضی‌دانان و فیلسوفان معاصر دلالت تمامی این ادله را ناتمام می‌دانند. از آن‌جاکه هدف این نوشتار بیان نوعی تفصیل در این مسئله است، ابتدا به مرور اجمالی تناقضات مزبور می‌پردازد و سپس تأملات بیان شده در این خصوص را بررسی و نقد فلسفی می‌نماید. نتیجه نهایی نوشتار حاضر این است که اگر میان دسته‌ای از اشیاء تلازم حقیقی علی و معلولی برقرار باشد، عدم تناهی این اشیاء، مستلزم تناقضات بسیاری خواهد بود. در غیر این صورت، چنین تناقضاتی پدید نخواهند آمد.

**واژگان کلیدی:** نامتناهی بالفعل، استحاله تسلسل، تناهی ابعاد، تناهی زمان، اشیاء نامتناهی.

sadegh.kavyani@gmail.com

abbasi.8177@gmail.com

rezapoor110@yahoo.com

۱. دانشجو دکتری مرکز تخصصی فلسفه اسلامی

۲. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

۳. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

نحوه استناد: کاویانی، محمدصادق؛ عباسی، علی؛ رضاپور، محمد (۱۳۹۷).

«تأملی در تناقضات حاصل از تحقق نامتناهی شیء بالفعل»، حکمت اسلامی، ۵ (۴)، ص ۹-۳۴.

## توجیه‌پذیری معاد جسمانی صدرایی از دیدگاه امام خمینی<sup>۱</sup> و نقد شبهه تفکیک‌گرایی

محمد رضا ارشادی نیا<sup>۱</sup>

### چکیده

تبیین و توجیه کیفیت معاد جسمانی در دیدگاه امام خمینی، کارایی حکمت صدرایی و مبانی عمیق آن در تبیین و تحکیم باورهای دینی را به نمایش می‌گذارد و از تفکر پویا و فعال حکمت متعالیه در ادوار مختلف خبر می‌دهد. اما برخی در این فضا با شبهه‌آفرینی، به تحریف نظریات ایشان برخاسته‌اند تا به تبع آن، صدراستیزی را - به‌ویژه در نظریه معاد جسمانی - به معظم‌له نسبت دهند. نقد مستند به تقریر مستحکم امام از معاد جسمانی صدرایی و تبیین و تحلیل آمیخته به دفاع ایشان از مبانی فلسفی حکمت متعالیه، ضمن رد ادعاهای شبهه‌محور برخی تفکیک‌گرایان، راه‌گشای نیل به اندیشه ناب حکمت متعالیه نیز خواهد بود. مبانی متعالی امام خمینی<sup>۱</sup> همان مبانی صدرایی با تبیین و توجیه مبتنی بر درون‌مایه‌های دینی و آیات و روایات می‌باشد. امام نگاه چند جانبه صدرالمتألهین به معاد را در اضلاع معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و علم‌النفس دنبال نموده و آن را وافی به درک کیفیت معاد معرفی می‌کند. ایشان در بُعد معرفتی، گذر از سطحی‌نگری و عوام‌گرایی در درک کیفیت جسمانیت معاد و رد معاد عنصری را شرط لازم اعلام می‌کند و در بُعد هستی‌شناختی، مراتب وجودی نفس در دو نشئه و تفاوت رتبی وجود دنیا و آخرت و ارتقای وجودی جسم از وجود بالقوه و مادی به وجود بالفعل را مورد اهتمام قرار می‌دهد. همچنین در بُعد معرفت‌نفس، نشأت وجودی نفس و کیفیت وجود آن در نشئات مختلف و رابطه نفس و بدن را برای درک کیفیت جسمانیت معاد شرط اساسی می‌داند.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی<sup>۱</sup>، صدرالمتألهین، معاد جسمانی، معاد عنصری، نقد تفکیک‌گرایی.

## اعتبار استناد به ابن ابی‌الحدید در مباحث امامت

عبدالمجید زهادت<sup>۱</sup>

### چکیده

دانشمندان شیعه در مباحث امامت به سخنان ابن ابی‌الحدید معتزلی (م ۶۵۶) استناد می‌نمایند؛ در صورتی که برخی از سنی‌ها او را با الفاظی چون متشیخ، شیعی و حتی شیعی غالی و شیعی متعنت رمی می‌کنند. با این توصیف، سؤال مهم این است که آیا سخنان چنین شخصی (ابن ابی‌الحدید) می‌تواند برای اقناع طرف مقابل در مباحث و مناظرات امامت، از حجیت و اعتبار کافی برخوردار باشد یا خیر؟ در این تحقیق، با بررسی مواضع ابن ابی‌الحدید در مسائل امامت در کتاب شرح نهج‌البلاغه، این نتیجه حاصل می‌شود که هر چند او معتزلی بوده است، اما در مباحث اصلی امامت، مبنای عموم اهل تسنن و اشاعره - مانند عدم نص بر امامت امیرالمؤمنین علی ۷ و عدم خلافت بلافصل آن حضرت و عدم اشتراط عصمت در امام - را تقویت کرده است. بنابراین شیعه دانستن او یا به‌خاطر عدم احاطه بر تمام سخنان خود و یا خلط در اصلاحات می‌باشد. به‌علاوه اینکه امر مهم، وجود دلیل است نه تعبد به سخن شخص. لذا شیعه و سنی بودن تأثیری در قبول کلام مستدل و مبرهن ندارد. انگیزه و سبب رمی سنی‌های متعصب را نیز می‌توان اعتقاد او به افضلیت امیرالمؤمنین ۷ و قدح معاویه و بی‌اثر کردن انتقادهای او به برخی از عقاید اهل سنت و خنثی کردن استنادات شیعه و همچنین استناد به بعضی از حرف‌های او علیه شیعه دانست.

**واژگان کلیدی:** ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، عدالت صحابه، عصمت امام، نص بر امامت، خلافت بلافصل.

## تحلیل هستی‌شناختی واقعیت‌های اعتباری

عبدالله فتحی<sup>۱</sup>، محمد فناپی اشکوری<sup>۲</sup>

### چکیده

وقتی درباره امور رایج زندگی سخن می‌گوییم، گفتار ما مملو از بیان اموری است که اگر بخواهیم واقعیت فلسفی آنها را نشان دهیم، با پرسش‌های دقیقی مواجه می‌شویم که قبلاً کمتر به آنها توجه شده است؛ اموری که سرتاسر زندگی انسان را اشغال کرده‌اند؛ مثل آدرس، خانه، محل کار، پول، سازمان، حساب بانکی، حوزه، دانشگاه، رئیس جمهور، تورم، نهادها و سنت‌های اجتماعی، قانون و ...

البته این امور از قبیل امور فیزیکی یا دیگر واقعیت‌های عینی‌ای مثل اوصاف وجودی اشیاء نیست. بلکه از سنخ اموری هستند که اندیشمندان مسلمان آنها را امور اعتباری می‌نامند. به طور کلی، از مهم‌ترین و دشوارترین پرسش‌های فلسفی‌ای که درباره این امور مطرح است، تحلیل وجودشناختی آنهاست؛ اینکه آیا می‌توان آنها را واقعیت‌هایی در عالم وجود قلمداد نمود؟ موطن تحقق این امور کجا است؛ ذهن است یا خارج از ذهن؟ اگر ذهن است، ذهن فاعل معتبر است یا پذیرندگان امر اعتباری؟ ذهنی‌بودن امور اعتباری به چه معناست؟ چه نسبتی میان این امور ذهنی با دیگر امور ذهنی، طبیعی و فیزیکی برقرار است؟

این مقاله در قالب تحلیل‌های فلسفی و بر اساس مبانی رایج حکمت متعالیه، این نتیجه را می‌دهد که امور اعتباری، واقعیت‌هایی وابسته به فاعل‌های معتبری هستند که از طریق رابطه علی هستی‌بخشی موجود می‌شوند. در این رابطه، میان مصادیق عمل اعتبار و امر اعتباری تعدد خارجی وجود ندارد و واقعیت اعتباری وجودی ظلی نسبت به عمل اعتبار است.

**واژگان کلیدی:** امور اعتباری، واقعیت‌های نهاد، واقعیت‌های اعتباری، ذهنی، ظلی.

abdollahfathy@yahoo.com

fanaei.ir@gmail.com

۱. استادیار و عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی ۱

۲. استاد و عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی ۱

## استدلال استمرار وجودی بر نادرستی سقط جنین از منظر اخلاق

حلیمه یعقوب نژاد<sup>۱</sup>، علیرضا آل بویه<sup>۲</sup>

### چکیده

پدیده سقط جنین یکی از مباحث چالش برانگیز در اخلاق پزشکی است. این پدیده با موافقتها و مخالفت‌های زیادی مواجه است که هر یک برای اثبات سخن خود به دلایلی استناد کرده‌اند. یکی از دلایل موافقان سقط جنین، شخصیت نداشتن جنین در نظر آنهاست. بدین معنا که چون جنین ویژگی‌های شخص را ندارد، شخص نیست و تنها شخص بالقوه به‌شمار می‌رود. لذا کشتن جنین به لحاظ اخلاقی نادرست نیست.

اما «استیفن شوآرز» از جمله کسانی است که در مقابل موافقان سقط جنین، به قابلیت‌های جنین توجه کرده و با تمایز قائل شدن میان شخص بودن و کارکردهای شخص داشتن، جنین را شخص می‌داند. از نظر او جنین از لحظه لقاح، شخص بوده و دارای شأن و منزلت اخلاقی است؛ گرچه کارکردهای شخص را ندارد.

یکی از استدلال‌های ایشان در اثبات شخص بودن جنین، استدلال استمرار وجودی است. در این مقاله به بررسی این استدلال پرداخته و به دلیل شباهت‌های این استدلال با دو استدلال ذات نوعی و استدلال شیب لغزنده - که برخی آنها را یکی پنداشته‌اند - به تبیین تمایز استدلال استمرار وجودی با آن دو استدلال پرداخته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** سقط جنین، شخص بودن، استدلال استمرار وجودی، کارکردهای شخص داشتن، استدلال شیب لغزنده، استدلال ذات نوعی.

۱. دانشجو کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه مفید

۲. استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

yaghoobnejad94@gmail.com

Alireza.alebouyeh@gmail.com

## وجود معقول اول یا ثانی بر اساس دیدگاه استاد فیاضی

مهدی جمالی<sup>۱</sup>

### چکیده

فیلسوفان معتقدند معقولات اولی مفاهیم کلی‌ای هستند که مصادیق آن‌ها در خارج موجود است. بر خلاف معقولات ثانیه یا مفاهیم اعتباری که مصادیق آنها را در خارج نمی‌توان یافت. افرادی همچون شیخ اشراق که معتقد به اصالت ماهیت هستند، به دلیل اینکه وجود را امری غیر خارجی و صرفاً ذهنی می‌دانند، آن را معقول ثانی می‌شمارند. اما با ظهور ملاصدرا و قول به اصالت وجود، باید وجود و صفات آن را معقول اول دانست؛ زیرا وجود حقیقتاً در خارج موجود است. با این حال، هنوز فیلسوفان وجود و صفات آن را معقول ثانی می‌شمارند.

البته وجوهی برای رفع این تناقض گفته شده که دیدگاه صحیح از نظر استاد فیاضی، سخن صدرالتألهین است که وجود به معنای مصدری را اعتباری و معقول ثانی، و وجود به معنای اسم مصدری را حقیقی و معقول اول معرفی می‌کند. در وجوه دیگر، مفهوم کلی وجود از آن جهت که وجود با وصف کلیت در خارج موجود نیست، یا مفهوم جعلی وجود - با توجه به اینکه حقیقت وجود به ذهن نمی‌آید - معقول ثانی شمرده شده است و یا اینکه اصطلاح معقول ثانی فلسفی تغییر داده شده است به آنچه ماباه‌ازاء مستقل ندارد، یا آنچه در درجه دوم فهمیده می‌شود و یا آنچه از مقایسه به دست می‌آید که همه این وجوه مخدوش است.

**واژگان کلیدی:** وجود، معقول اول، معقول ثانی، اصالت وجود، اصالت ماهیت، استاد فیاضی.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه علوم اجتماعی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 jamali.ir1@gmail.com

## بررسی و تحلیل روایی ابعاد غیبت و کیفیت رابطه رخداد ظهور با آن

حسین الهی نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

در این نوشتار، مقوله غیبت و رابطه آن با ظهور بررسی می‌شود. برای واکاوی غیبت، ابتدا لازم است ابعاد و مؤلفه‌های غیبت تحلیل و بررسی شود. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مقوله غیبت دارای ابعاد سه‌گانه «چیستی غیبت، چگونگی غیبت و چرایی غیبت» است که هر کدام از این ابعاد بیانگر مفاهیم مختلفی است.

در این راستا، چیستی غیبت عهده‌دار تحلیل مفهومی غیبت می‌باشد. مؤلفه چگونگی غیبت هم وظیفه تبیین کیفیت رخداد غیبت در انواع معرفتی و جسمانی را داشته و چرایی غیبت نیز بیانگر مقوله‌هایی نظیر «علت غیبت، حکمت غیبت و غایت غیبت» است. این مقوله بیان می‌کند که علت غیبت مربوط به فعل مردم، غایت غیبت مربوط به فعل خدا و حکمت غیبت از خواص و الزامات خود غیبت می‌باشد.

بی‌شک در میان مؤلفه‌های سه‌گانه غیبت، مؤلفه چرایی غیبت بیشترین ارتباط را با ظهور خواهد داشت و در میان مفاهیم سه‌گانه چرایی غیبت نیز مقوله علت غیبت بیشترین رابطه و موثرترین نقش را با رخداد ظهور دارد. به‌طور کلی، رخداد ظهور با رفع غیبت، و رفع غیبت با رفع عوامل غیبت اجرایی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ظهور، رخداد ظهور، ابعاد غیبت، عوامل غیبت، نقش مردم، چرایی غیبت، حکمت غیبت، غایت غیبت.

## نسبت نفس و مزاج در فلسفه اسلامی و فلسفه ذهن

منصور مهدوی<sup>۱</sup>، محمدتقی یوسفی<sup>۲</sup>

### چکیده

نفس و مباحث مربوط به آن از مهم‌ترین مباحث فلسفه و البته ارزشمندترین آنها به‌شمار می‌رود. از این‌رو بررسی نفس و یافتن نسبت آن با مزاج بسیار مهم و پر اهمیت است. به‌علاوه اینکه امروزه با ظهور فلسفه ذهن، مباحث نفس و بدن اهمیتی دو چندان پیدا کرده است. به‌لحاظ تبارشناسی بحث، بنیان باور به مزاج را می‌توان بر اساس طبیعیات قدیم و تفکر مشاء بررسی کرده و آن را در سنت فلسفی اسلامی پیگیری نمود. البته دوگانگی نفس و مزاج در چنین سنتی با ادله فراوانی قابل اثبات است. بر این اساس عموم فیلسوفان مسلمان، نفس و مزاج را دو امر جدا از هم تلقی می‌کنند. این در حالی است که بحث مزاج با وجود فیزیکی بودن ماهیتش، در فلسفه ذهن که خود رویکرد فیزیکیستی دارد مورد بحث قرار نگرفته است. البته شاید این عدم توجه به‌خاطر تفاوت ماهیت طب قدیم و طب جدید باشد که موضوع به حاشیه رانده شده است؛ به‌گونه‌ای که در فیزیک جدید خبری از آن نیست. از این‌رو نفس‌شناسی آنها متفاوت شده و بحث مزاج پوشیده مانده است.

**واژگان کلیدی:** مزاج، بدن، نفس، رابطه نفس و مزاج، ذهن.

mahdavi.mnsr@gmail.com

yosofi@bou.ac.ir

۱. دکترای رشته فلسفه اسلامی

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم 7



## بررسی انتقادی بازسازی‌های استدلال جرجانی بر بساطت مشتق

سیداحمد حسینی سنگ‌چال<sup>۱</sup>

### چکیده

بساطت مشتق که نزد ملاصدرا به نوعی از مبانی فهم اصالت وجود و رابطه وجود و موجود به شمار می‌رود، از جدال رازی و جرجانی آغاز شده است. استدلال جرجانی بر بساطت مشتق، اشکالات زیادی را به خود دیده که برخی برای خلاصی از این ایرادات، به بازسازی مختلفی از آن پرداخته‌اند. مقاله حاضر نیز در صدد بررسی بازسازی‌های استدلال جرجانی است. البته اثبات بساطت مشتقات در گرو اثبات دو ادعای سلبی (خروج ذات و نسبت از مفهوم مشتق) و ایجابی (تبیین تفاوت میان مبدأ و مشتق) می‌باشد و ارزیابی این بازسازی‌ها نیز در واقع، بررسی کامیابی این استدلال‌ها در جهت اثبات دو مدعای سلبی و ایجابی است. در این راستا، جناب سبزواری ضمن دفاع از جرجانی، دست به بازسازی زده است تا راه را برای اثبات بساطت هموارتر کند که این استدلال نیز مانند بیان خود جرجانی «در جهت اخراج ذات از مفهوم مشتق» بی‌نقص به نظر می‌رسد. اما بازسازی آقایان حائری و غروی اصفهانی به‌خاطر غفلت در ناحیه جهات، دچار ایراد هستند.

مدعای سلبی نظریه بساطت محض، خروج ذات و نسبت از مشتق می‌باشد. این در حالی است که استدلال جرجانی و بازسازی سبزواری فقط از عهده اخراج ذات از مفهوم مشتق بر می‌آیند و نمی‌توانند نسبت را از مفهوم مشتق خارج سازند. علاوه بر این، این دو بیان از اثبات مدعای ایجابی بساطت، یعنی رابطه «بشرط لایی و لا بشرطی» میان مبدأ و ذات هم عاجزند. دیگر بازسازی‌های استدلال جرجانی نیز حتی از عهده اخراج ذات به عنوان یکی از مدعیات بخش سلبی نظریه بر نمی‌آیند. در این صورت، بدیهی است که از عهده اخراج نسبت از مفهوم مشتق یا اثبات مدعای ایجابی آن هم بر نیایند.

**واژگان کلیدی:** بساطت مشتق، بازسازی استدلال جرجانی، لا بشرطی و بشرط لایی.

hosseini.sangchal.ahmad@gmail.com

۱. دانشجو دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه تربیت مدرس